

آنچه خوانندش نقد

مروری بر مجموعه دو جلدی **نظریه و نقد ادبی** نوشته **حسین پاینده**



رویکرد نقادانه شروع می شود و هدف اصلی اش ایجاد زمینه مناسب برای ورود به بحث های نظری است. در بخش بعدی شالوده های هر نظریه به تفصیل معرفی شده اند و بعد قسمت دیگری با عنوان «چند نکته در حاشیه» قرار دارد که شامل نکات مرتبطی است که برای درک بهتر خواننده در نظر گرفته شده است. بخش بعدی شامل توضیحاتی درباره روش کاربرد نظریه است، این کتاب علاوه بر معرفی نظریه های نقادانه سعی می کند شیوه انجام دادن نقد ادبی بر اساس آن نظریه ها را نیز به خواننده نشان دهد. سپس در بخش «پرسش هایی

نظریه ادبی

بهار خسروی

گروه کتاب

این روزها معمولاً معنای درست و دقیقی از «نقد» نداریم و فعالان ادبی از آن به درستی استفاده نمی کنند. آنها غالباً هر نوشته ای که در آن نظری راجع به متنی ادبی آمده باشد، به غلط مصداق نقد می پندارند. فعالان این حوزه و اهالی قلم باید نظریه های علمی نقد ادبی و نحوه کاربرد عملی آنها را بشناسند تا به برداشت های نادرست پایان داده شود. نقد ادبی، تبیین و تفسیر معانی متکثر متون با استفاده از مفاهیم و روش شناسی های برآمده از نظریه های نقادانه است که در این تعریف سه کلید واژه «متن»، «مفهوم» و «روش شناسی» وجود دارد. هر نظریه ادبی و نقادانه، مجموعه ای از مفاهیم، اصطلاحات و روش شناسی خاص خود را دارد. از این رو، وقتی صحبت از نقد ادبی می کنیم، لزوماً به کاربرد مفاهیم و روش شناسی هایی اشاره داریم که از نظریه های نقادانه برآمده اند. کتاب «نظریه و نقد ادبی» (درسنامه ای میان رشته ای) نوشته حسین پاینده مجموعه ای دو جلدی است که کاربردترین نظریه های نقادانه را با رهیافتی میان رشته ای به علاقه مندان و پژوهشگران این حوزه معرفی می کند. از نقد ادبی می توان از نظریه هایلیسم (نقد نو)، روان کاوی، ساختارگرایی، روایت شناسی، نقد اسطوره ای، کهن الگوی، تاریخ گرایی نوین، مطالعات زنان، نشانه شناسی شعر (رویکرد ریفاتر)، پسا مدرنیسم، مطالعات فرهنگی، نشانه شناسی (رویکرد سوسور، پرس و بارت)، رویکرد باختمین، نظریه دریافت و نقد واکنش خواننده اشاره کرد. حسین پاینده، نویسنده، منتقد ادبی، متخصص فیلم و استاد نظریه و نقد ادبی دانشگاه علامه طباطبائی و مسئول پروژه «مجموعه نظریه و نقد ادبی» است. از او در کتاب «باغ در باغ» هوشنگ گنجشیری در زمره منتقدانی یاد شده که به پیشبرد نقد ادبی در ایران پیاری رسانده اند. از کتاب های پاینده می توان به «نقد ادبی و دموکراسی: جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید»، «نقد ادبی و مطالعات فرهنگی: قرارتی نقادانه از آگهی های تجاری در تلویزیون ایران»، «نقد ادبی با رویکرد روایت شناسی»، «گشودن رمان: رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی» و ترجمه کتاب های شاخصی در زمینه نقد ادبی اشاره کرد.

ساختار کلی کتاب

هریک از فصل های کتاب «نظریه و نقد ادبی» چهارچوب ثابتی دارند و به ملاحظات کلی درباره نظریه همان فصل، اصول و مفروضات بنیادین آن نظریه، روش شناسی نقد یا آن نظریه، متونی که برای نقد شدن با آن نظریه مناسب ترند، پرسش هایی که منتقدان پیرو آن نظریه می خواهند پاسخ دهند، مزیت ها و محدودیت های آن نظریه، چگونه براساس آن نظریه نقد بنویسیم، نمونه هایی از نقد عملی بر اساس آن نظریه و مرور نمونه های نقد اصالات کلیدی آن نظریه می پردازد. هر فصل با ملاحظات کلی درباره یک

نمونه نقد عملی به سیاق فصل های دیگر باشد.

برتری های نقد نو نسبت به نقد سنتی

فصل اول کتاب با عنوان «فرمالیسم» است. فرمالیسم با عنوان «نقد نو» نیز شناخته می شود، زیرا هنگامی که این رهیافت نظریه پردازی و معرفی شد (دهه سوم قرن بیستم) تحولی بنیادی در نقد ادبی به وجود آمد، چندان که می توان گفت نه فقط مفروضات، بلکه اهداف مطالعات و پژوهش های نقادانه ادبی هم تغییر کردند، اما نقد «غیر نو» (نقد پیشا فرمالیستی یا نقد سنتی) چه ویژگی هایی داشت که فرمالیسم در تمایز و تخالف با آن «نقد نو» نامیده می شود؟ پاینده در ادامه مطلب درباره اینکه فرمالیسم چگونه در مطالعات ادبی شکل گرفت، توضیح می دهد. پس از آن تا آخر فصل نکات مهمی درباره فرمالیسم به خواننده ارائه می شود.

فصل دوم با عنوان «روان کاوی» به نقد روان کاوانه اختصاص دارد. روان کاوی عنوانی است که بنیانگذار این نظریه، زیگموند فروید، در سال ۱۸۹۶ برای نامیدن روش ابداعی خود در درمان اختلال های روانی و بیماری های روان تنی (به بیماری هایی اطلاق می شود که به صورت درد در بدن بروز می یابد یا کارکرد طبیعی اندام های بدن را مختل می کند، اما ریشه جسمانی ندارد و تجویز دارو راه حل مناسبی برای برطرف کردن آن نیست) به کار برد، هرچند که روان کاوی به نظریه پردازی فروید محدود نماند و از اوایل قرن بیستم تا به امروز با این سیستم و مکتبیلی شاگردان و پیروان او بسط و گسترش فراوانی پیدا کرده است. توضیح عام روان کاوی به منزله شیوای از درمان، بلافاصله این پرسش را به ذهن خواننده علاقه مند به نقد ادبی می آورد که اگر روان کاوی روشی برای درمان بیماری است، آنگاه چه نسبتی بین این نظریه و مطالعات نقادانه ادبیات می توان برقرار کرد؟ مخاطب با خواندن این فصل از کتاب پاسخ این پرسش را خواهد یافت و درباره روان کاوی اطلاعاتی را کسب می کند.

فصل سوم «ساختارگرایی و روایت شناسی» است. ساختارگرایی عنوانی است که نه صرفاً به نظریه و رویکردی در نقد ادبی، بلکه به نحله ای از تفکر اطلاق می شود که از نیمه دوم قرن بیستم در مطالعات مربوط به علوم انسانی رواج پیدا کرد، از جمله در اسطوره شناسی، انسان شناسی و روان شناسی. ساختارگرایی از این نظر که بررسی یا کشف نیت مؤلف را کاری نامرتبط با نقد ادبی می داند، با فرمالیسم وجه مشترک دارد. اما برخلاف فرمالیست ها که معتقدند هر متنی صرفاً یک خوانش صحیح دارد، ساختارگرایان اعتقاد دارند متون ادبی را می توان بر حسب نظام های دلالت گر متفاوتی بررسی کرد و لذا نباید برای هر متن صرفاً یک معنای واحد قائل بود. مثال هایی در ادامه برای فهم بهتر خواننده آورده می شود و به مباحث فصل پرداخته می شود.

وقتی ادبیات تافته جدا بافته می شود

فصل چهارم، «نقد اسطوره ای-کهن الگوی» را تشکیل می دهد. همچون اکثر رویکردهای نقادانه مدرنی که در قرن بیستم نظریه پردازی شدند و ماهیتی میان رشته ای داشتند، مفاهیم نقد اسطوره ای-کهن الگوی از حوزه های دیگر در علوم انسانی مانند انسان شناسی

وارد مطالعات نقادانه ادبیات شد. نقد اسطوره ای-کهن الگوی شکلی از بررسی متون است که در آن کوششید می شود بر پایه اسطوره ها (اعم از باستانی یا جدید) و ساختارهای روانی عام بشر، تبیینی از الگوهای مکرر در آثار ادبی به دست داده شود. با مطالعه این فصل خواننده درباره این نقد و رویکردهای آن اطلاعات خوبی را به دست می آورد.

«تاریخ گرایی نوین» عنوان فصل پنجم این کتاب را دربرمی گیرد. تاریخ گرایی نوین شکلی از نقد ادبی معطوف به تاریخ است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ نظریه پردازی شد. پایه گذاری و تشریح مبانی نظری این رویکرد را از ابتدا استیون گرینبلت انجام داد و هم او بود که عنوان تاریخ گرایی نوین را اولین بار در یکی از نوشته هایش در سال ۱۹۸۲ به کار برد. گرینبلت در مقالاتش، با برشمرن محدودیت های «نقد نو» استدلال کرد که فرمالیسم از رابطه ادبیات با فرهنگ غفلت کرده بود. دیدگاه منتقدان نو مبنی بر اینکه در نقد ادبی متن و فقط خود متن اهمیت دارد و نه چیزی خارج از آن، باعث شده بود که ادبیات به تافته جدا بافته تبدیل شود و کارکردهای فرهنگی آن از چشم فرمالیست ها پنهان بماند. در این فصل درباره اینکه تاریخ گرایی نوین چگونه با وجود تخالف با دو جریان یا دیدگاه متقدم در مطالعات شکل گرفت، توضیح داده می شود.

«نقد لاکانی» عنوان فصل ششم است. نقد روان کاوانه حوزه ای در نظریه و نقد ادبی جدید است که در نیمه اول قرن بیستم بر پایه نظرات فروید شکل گرفت، اما همچون هر نظریه دیگری با گذشت زمان بسیاری از مفاهیم و فرضیه های فرویدی دستخوش تغییراتی شد که شاگردان او و بعدها سایر نظریه پردازان برجسته روان کاو در این نظریه روا داشتند. کارل گوستاو یونگ، آلفرد آدلر، اریک فروم، ملانی کلاپس، دی. دبلیو. وینیکت و آر. دی. لنگ برخی از مشهورترین پیروان این نظریه با با چالش کردن و تعدیل و بسط مفاهیم روان کاوی، این حوزه را دانش بشری را گسترش دادند. در میان همه این نظریه پردازان پسا فرویدی، ژاک لاکان یگانه شخصیتی محسوب می شود که نامش به جای شهرت، سوء شهرت یافته است. لاکان ابداع کننده مفاهیم نو بود و در چهارچوب الگوی نظری اش دلخواهانه معانی جدیدی، به ویژه ای از کاسترشنسب می داد، درست همان طور که هر فیلسوف و به طریق اولی هر متفکر نوآوری چنین می کند. از این رو به منظور فهم نظریه او، خواننده باید به یکپرده معانی جدید واژه ها را بپذیرد و تصویری را که از قبل درباره معانی آن کلمات داشته است قبل رها کند. یادگیری واژگان تخصصی لاکان پیش شرط فهم الگوهای نظری اوست، بویژه از این نظر که این الگوها در نوشته های او دائماً پیچیده تر شدند، زیرا لاکان نظریاتش را براساس مفاهیمی می پروراند که خود ابداع و نامگذاری کرده بود. با این همه و به رغم سوء شهرتی که لاکان به دلیل سبک نگارشش برای خود خریده است، او نقش بسزایی در بسط و گسترش روان کاوی در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم ایفا کرد و امروزه نظریاتش در نقد ادبی چنان کاربرد گستره ای پیدا کرده اند که باید گفت لاکان یکی از تأثیرگذارترین نظریه پردازان نقد روان کاوانه جدید در زمانه حاضر است.

«نشانه شناسی شعر» فصل هفتم را شامل می شود. نشانه شناسی عنوانی عامی است که مجموعه متکثر و متنوعی از رویکردهای نقادانه ذیل آن طبقه بندی می شوند، اما در این فصل به طور خاص به یکی از نظریه های نشانه شناسی مطرح کرده است. ریفاتر، در کنار کسانی مانند رومن یاکوبسن و جان اتان کالر و رابرت اسکولز، در زمره نظریه پردازان پیشگامی که در حوزه مطالعات ادبی معرفی و ترویج کردند. ریفاتر خواننده را حائز نقشی مهم و تعیین کننده می داند و اعتقاد دارد بحث درباره معنای شعر به نسیج دلخواه نخواهد رسید مگر اینکه ابتدا معلوم کنیم خواننده چگونه به آن معنا پی می برد. به اعتقاد او، واکنش خواننده به متن با ساز و کارهای برآمده از خود متن تنظیم می شود و نه بر اثر عواملی خارج از آن.

«نقد ادبی از منظر مطالعات زنان» فصل هشتم را شامل می شود. فصل نهم درباره «پسامدرنیسم» صحبت می شود. پسامدرن طبقه بندی یا مقوله ای در نقد ادبی است که به طور خاص با بحث درباره برخی رمان های سنت شکن و بدعت گرای دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، ولی این مطلقاً پدان معنا نیست که نقطه آغاز پسامدرنیسم در ادبیات دهه ۱۹۶۰ است. در این فصل درباره چند اشتباه رایج گفته می شود که این اشتباهات سبب شده اند درک درستی از پسامدرنیسم در حوزه مطالعات ادبی نداشته باشیم. یکی از این اشتباهات از این قرار است که به جای فهم نظریه های پسامدرنیسم، آن را به مقوله ای تاریخی فرو می گاهیم و اعلام می کنیم که «پسامدرنیسم در ادبیات از نیمه دوم قرن بیستم شروع شد.» «مطالعات فرهنگی و نشانه شناسی» فصل دهم را تشکیل می دهد. شاید در نگاه اول این طور به نظر آید که در کتابی که همه فصل هایش راجع به نظریه های نقد است، دلیلی برای اختصاص یک فصل مجزا به مطالعات فرهنگی وجود ندارد. این کتاب مدعی می شود که، به تعبیری، همه انواع روش های مطالعات نقادانه ادبی در واقع شکل هایی از مطالعه درباره فرهنگ هستند. هر یک از رویکردهای نقد ادبی به شیوه خاص خود به منتقد امکان می دهد تا با بررسی موضوعات متون ادبی، جنبه های ناپدیدانی از همان فرهنگ را بکاود که متون مورد نظر در آن تولید شده اند. در این فصل خواننده با مطالعات فرهنگی آشنا می شود که جنبه های ادبیات را در کانون توجه منتقدان ادبی قرار می دهد.

«نظریه باختمین» فصل یازدهم را دربرمی گیرد. در این فصل به جنبه های اجتماعی ادبیات به طور خاص رمان پرداخته می شود، با این تفاوت که نظریه مورد نظر در اینجا به تعبیری وارث و البته تغییر دهنده بعضی از آرا و اندیشه های مطرح شده در فرمالیسم روسی است. نظریه پرداز برجسته روس، میخائیل باختمین (۱۸۹۵-۱۹۷۵) ابتدا دیدگاه هایی نزدیک به هموطنان فرمالیست خود داشت، هرچند جزو پایه گذاران این نحله نقادانه نبود. آنچه او را به فرمالیست ها نزدیک کرد، توجه به زبان به منزله ساختار پایه بنیادین ادبیات بود. این فصل به نظریه باختمین اختصاص دارد. فصل آخر به «نظریه دریافت و واکنش خواننده» می پردازد. در این فصل به مطلق گرایی در نقد ادبی، نسبی گرایی در فلسفه پدیدارشناسی هوسرل، نسبی گرایی در آراء پاس و آیزر و برداشت های نادرست از نظریه دریافت و واکنش خواننده پرداخته می شود. در این فصل بررسی می شود که نقد سنتی، که تا اواخر قرن نوزدهم در مطالعات ادبی غلبه داشت، مبتنی بر دو اصل ساده بود که در ادامه به این دو اصل اشاره می شود. پس از پایان فصل ها، سخن فرجامین، فهرست نام اشخاص خارجی، اصطلاحات نظریه و نقد ادبی (فارسی به انگلیسی)، اصطلاحات نظریه و نقد ادبی (انگلیسی به فارسی)، مراجع، نمایه به چشم می خورد. خواننده با خواندن این دو جلد «نظریه و نقد ادبی» حسین پاینده به پاسخ پرسش های ذهنی خود دست می یابد و به این درک می رسد که نظریه و نقد ادبی، قدرت اندیشیدن به جزئیات مدرن متون را بیشتر می کند. متون ادبی معنای خود را آشکارا و به صراحت با خواننده درمیان نمی گذارند، بلکه این متون تولید می شوند تا با نگاه های باریک بینانه به جست و جوی معانی عمیق آنها دست یابیم. وقتی قادر باشیم متنی را هم از منظر روان کاوانه نقد کنیم و هم از منظرهای روایت شناسی، نشانه شناسی، فرمالیسم، تاریخ گرایی نوین و...، این اندیشه که معانی متون چندگانه اند و هر کسی ممکن است از برخی جنبه های آن معانی غفلت کرده باشد، در ذهن ما نهادینه می شود. در جهان پرتنش و آشفته امروز، بیش از هر چیز به مدارا و فهم دیگری نیاز داریم و نقد ادبی کمک شایانی است برای دستیابی به چنین هدف انسانی ای. نظریه هایی که در این کتاب معرفی شدند، علاوه بر اینکه امکان دیدن جهان از دریچه چشم دیگران را برابیمان فراهم می آورند، مسئولیت های انسانی مان را هم به ما یادآوری می کنند.

خوانش تاریخ گرایانه نوین

از رمان سووشون

رمان های تاریخی عموماً برهه ای از گذشته را با جامعه به دلایلی دستخوش تلاطم و ناپساامانی شده است. در بحبوحه این بی ثباتی، تغییرات و تحولات بنیادینی هم در حال شکل گرفتن است و به بیان دیگر، جامعه به سرعت از یک وضعیت حاشیه رانده می شوند تا گفتمان هایی متفاوت سر برآورند و جای آنها را بگیرند. «سووشون» مصداق بارزی از این نوع رمان است و دوره پرتلاطمی از تاریخ کشور ما را در قالب شخصیت ها و رویدادهایی تخیلی بازنمایی می کند، اما هم شخصیت های این رمان نسبی تا به مردم زمانه خود دارند و هم رویدادهایش با رخ دادهای آن برهه آمیخته اند.

حسین پاینده در فصل «تاریخ گرایی نوین» جلد اول کتاب «نظریه و نقد ادبی» در تحلیل رمان «سووشون» می نویسد: «نویسنده مقطع مهمی از تاریخ معاصر را برای پس زمینه تاریخی حوادث رمان انتخاب کرده که عبارت است از سال های اشغال ایران به دست نیروهای متفقین در جریان جنگ جهانی دوم. نیروهای شوروی و انگلستان در شهریور سال ۱۳۲۰ از مرزهای شمال، غرب و جنوب وارد ایران شدند و با پیشروی سریع توانستند بخش بزرگی از کشور را اشغال کنند؛ نیروهای آمریکایی نیز حدود یک سال بعد به همپیمانان اشغالگران ملحق شدند. در جریان این تهاجم، عده زیادی از مردم ایران در بیماران های وسیع هواپیماهای جنگی متفقین کشته شدند و صدمات اساسی به زیرساخت های شهری و منابع کشور وارد آمد. طولی نکشید که بر اثر شرایط جنگی و ناباب شدن ارزاق عمومی، قطعی گسترش یافت و هرج و مرج و ناامنی کشور را فرا گرفت. بازه زمانی وقایع رمان سووشون، در اوج این ناامنی و قطعی یعنی حدود یک سال و نیم بعد از شروع اشغال ایران، از نیمه بهار ۱۳۲۲ با صحنه ای آغاز می شود که زری و یوسف (دو شخصیت اصلی رمان) به مراسم عقدکنان دختر حاکم منطقه فارس رفته اند و نهایتاً با مرگ یوسف در ۲۹ مرداد همان سال و تسخیر جزایر او در اوایل روزهای شهریور به پایان می رسد. یوسف که خود از زمینداران بزرگ منطقه فارس است، در زمره مخالفان سیاست های دولت است، ولی در شرایطی که کشور به اشغال بیگانگان درآمده و هموطنان خوش از قطعی و گرسنگی و بیماری های واگیرداری مانند تیفوس رنج می برند، از فروش محصول زمین هایش به قشون اجنبی امتناع می کند. بسیاری از اطرافیان او (از جمله برادرش ابوالقاسم خان) و سایر زمینداران برای کسب منفعت بیشتر حاضر به تأمین آذوقه اشغالگران شده اند، اما یوسف تن به این کار نمی دهد. در این میان شبایری هم که در حکومت رضاشاه بدشت سرکوب شده بودند، به تحریک انگلیسی ها سر به شورش گذاشته اند و نیروهای دولتی را مورد حملات مسلحانه قرار می دهند. یکی از رویدادهای تاریخی



همین بازه زمانی که در رمان هم به آن پرداخته شده، واقعه حمله مسلحانه عشایر قشقایی و بویراحمدی به ستون تدارکاتی ارتش ایران در تیرماه ۱۳۲۲ است که برای پشتیبانی از پادگان سیمیر عازم این شهر بود. در طول رمان، چندین بار به ناراضاتی ایلات و عشایر و تحرکات آنان برای مقابله با قوای دولتی اشاره می شود و علاوه بر این، یکی از اختلافات یوسف با سران عشایر بر سر این موضوع است که آنها می خواهند از فرصت پیش آمده در جنگ جهانی دوم برای هدف اصلی خود (مبارزه با دولت مرکزی) استفاده کنند و لذا پنهان و آشکار با اشغالگران انگلیسی همراه شده اند، حال آن که یوسف به رغم اینکه خود مخالفان سیاست های حکومت پهلوی است، همراهی با اشغالگران را عین خیانت به منافع ملی می داند. در پایان رمان، یوسف به دلیل مواضع سرسختانه اش در مخالفت با اشغالگران و مهدد شدن آنها، در توطئه ای شوم کشته می شود. سووشون اولین بار سال ۱۳۴۸ یعنی حدود دو دهه و نیم پس از مقطع زمانی رویدادهایش منتشر شد. با شرح مختصری که درباره حوادث رمان دادیم، معلوم می شود که این رمان پیوند محکمی با وقایع تاریخی نزدیک به زمان خود دارد و می توان آن را ذیل ژانر «رمان تاریخی» طبقه بندی کرد. اگر بخواییم سووشون را از منظر تاریخ گرایی سنی بررسی کنیم، آنگاه باید بگوییم که این رمان گرچه داستانی تخیلی را روایت می کند، ولی همچون آیینیه ای شفاف تاریخ را در خود تاریخی در کانون توجه منتقد ادبی قرار می گیرد؛ اینکه متن این رمان از طریق بازنمایی حوادث تاریخی، کدام گفتمان های آن مقطع را به خواننده می شناساند و با این کار چگونه دست به بازتفسیر تاریخ می زند... نتیجه ای که از این بحث خواهیم گرفت این است که رمانی مانند سووشون را نه از حیث تطبیق با تاریخ، بلکه به دلیل بازنمایی آن از ساختار گفتمانی قدرت در برهه ای حساس از تاریخ ایران باید بررسی کرد.»